

Opportunistic Earnings Management, an Ethical Deviation in Financial Reporting and the Role of Managers' Tacit Knowledge in It

A. Alizadeh¹, A. Pakmaram Ph.D.^{2*}, S. Jabarzadeh Kangarloui Ph.D.³, J. Bahri Sales Ph.D.³
1. Ph.D. Student, Dept. of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
2. Dept. of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.
3. Dept. of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

Abstract

Background: Profit management occurs when managers use their personal judgments in financial reporting and manipulate the structure of transactions to change financial reporting. This goal is either to mislead some of the shareholders regarding the economic performance of the company, or to influence the results of contracts whose conclusion depends on achieving a certain profit. Therefore, the current research has paid special attention to these ethical deviations in financial reporting and investigated the role of implicit knowledge of managers in efficient and opportunistic profit management.

Method: The current study was applied and was among descriptive-correlational studies. The statistical population of this research was high-level, middle-level managers and operational managers of the investigated companies, from which 76 people were selected using a targeted and accessible method. A standard questionnaire was used to collect data. Finally, structural equation modeling method and smart-pls statistical software version 3.2.7 were used for data analysis.

Results: The results of the research showed that implicit management knowledge has a significant effect on effective profit management. Also, implicit knowledge of managers in the field of accounting, finance, management and auditing had a significant effect on the behavior of opportunistic profit management.

Conclusion: The increase in implicit knowledge of managers in the field of accounting and finance, management and auditing cause an increase in profit management by managers. In other words, when this knowledge increases, the conflict of interest between managers and auditors decreases, and as a result, profit management increases.

Keywords: Tacit knowledge of managers, Efficient profit management, Opportunistic profit management, Moral deviations

*Corresponding Author: A. Pakmaram, Dept. of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. Email: Pakmaram@bonabiau.ac.ir

How to cite: A. Alizadeh, A. Pakmaram, S. Jabarzadeh Kangarloui, J. Bahri Sales. Opportunistic earnings management, an ethical deviation in financial reporting and the role of managers' tacit knowledge in it. *Ethics in Science and Technology*. 2024,19(2): 121-128.



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

مدیریت سود فرصت طلبانه یک انحراف اخلاقی در گزارشگری مالی و نقش دانش ضمنی مدیران در آن

عباس عالی زاده^۱، دکتر عسگر پاک‌مرام^{۲*}، دکتر سعید جبارزاده کنگرلویی^۳، دکتر جمال بحری ثالث^۳
۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.
۲. گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.
۳. گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۳)

چکیده

زمینه: مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند. این هدف یا به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سهام در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت صورت می‌گیرد، یا به منظور تاثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود مشخصی می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر برای توجه ویژه به این انحرافات اخلاقی در گزارشگری مالی به بررسی نقش دانش ضمنی مدیران در مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه پرداخته است

روش: پژوهش حاضر کاربردی و در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار داشت. جامعه آماری این پژوهش، مدیران سطح عالی، میانی و مدیران عملیاتی شرکت‌های مورد بررسی بود که از میان آنها ۷۶ نفر با روش هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد. در نهایت برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، و نسخه ۳.۲.۷ نرم‌افزار آماری *smart-pls* استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که دانش ضمنی مدیریتی بر مدیریت سود کارا اثر معنی‌داری دارد. همچنین دانش ضمنی مدیران در حوزه حسابداری، مالی، مدیریتی و حسابرسی بر رفتار مدیریت سود فرصت طلبانه اثر معناداری داشت.

نتیجه‌گیری: افزایش دانش ضمنی مدیران در زمینه حسابداری و مالی، مدیریتی و حسابرسی سبب افزایش مدیریت سود توسط مدیران می‌شود. عبارتی وقتی این دانش افزایش می‌یابد تضاد منافع بین مدیران و حسابرسان کاهش می‌یابد و در نتیجه مدیریت سود افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌گان: دانش ضمنی مدیران، مدیریت سود کارا، مدیریت سود فرصت طلبانه، انحرافات اخلاقی

سرآغاز

محققان (۱) بیان کرده‌اند که مسئله نمایندگی موجب شده است در بسیاری از شرکت‌ها طرح‌های پاداش انجام شود تا منجر به کاهش تضاد منافع شود. همچنین مدیران برای رسیدن به منافع خود سودها را مدیریت می‌کنند. با توجه به اینکه اندازه‌گیری وجوه نقد عملیاتی آسان است مدیران برای مدیریت کردن سود از اقدام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند تا بتوانند به سودهای مطلوب دست یابند. در شرکت‌هایی که برنامه پاداش مدیران انجام می‌شود، مدیران سعی خواهند نمود سودهای دوره‌های آتی را به دوره جاری منتقل کنند و از این رو سودها را دستکاری می‌کنند.

گزارش‌های مالی^۱ به ویژه سود خالص یکی از مهمترین محصولات سیستم حسابداری^۲ است. هدف اصلی تدوین گزارش‌های مالی تهیه اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران و سایر افراد ذینفع در جهت انجام سرمایه‌گذاری منطقی، اعتباردهی و... مفید باشد. اما در طول چند دهه گذشته نتایج پژوهش‌ها بیانگر کاهش مستمر در محتوای اطلاعاتی سود حسابداری بوده است. از آنجایی که محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی تحت تاثیر روش‌ها و برآوردهای حسابداری است و بر طبق نظریه نمایندگی اهداف مدیریت نیز با سهامداران هماهنگ نیست، امکان دستکاری سود وجود دارد. این کار با نزدیک کردن سود گزارش شده به میزان سود هدف (آستانه) انجام می‌شود.



مبتنی بر پیامد و ایجاد انگیزه بیشتر پیامد، حلقه ارتباطی بین پیامد ها و ارزیابی‌ها را در اظهارات ذهنی افراد تقویت می‌کند. نتیجه تحقیق فردریکسون و همکاران ————— کی از آن است که تجربه افراد از ارزیابی عملکرد توجه و پردازش حافظه آنها را شبیه سازی می‌کند و باور اولیه افراد مبنی بر شایستگی ارزیابی‌ها ی مبتنی بر کیفیت تصمیم گیری را زیر سوال می‌برد. با این حال در حالت ها ی، پیچیده تر زمانی که اطلاعات حالت تفسیر ی بیشتر ی پیدا می‌کنند باورها ی اولیه افراد می‌تواند اثربخشی یادگیری آنها را محدود کند. تحقیق روان شناسی که بر اساس یادگیری احتمالات با علائم چندگانه انجام شد نشان می‌دهد زمانی که افراد روابط علی مشاهدات را یاد می‌گیرند تمایلی به استفاده برابر از همه مشاهدات را ندارند. زمانی که پیامدهای یک عمل خاص (مثلا تصمیم مربوط به تخصیص منابع) ترکیب می‌شوند و می‌توانند علت ها ی زیادی داشته باشند، توجه افراد بر پیامدهای سازگار با تئور ی‌ها ی اولیه افراد بیشتر شده و تاثیر آن بر تصمیمات بعدی بیشتر می‌گردد در حالی که پیامدهای ناسازگار با این تئور ی ها منجر به توجه کمتر افراد می‌گردد؛ از این رو یادگیری افراد در سطح پایین تری خواهد بود (۶). در حالت کلی دانش به چهار نوع زیر تقسیم بندی شده است:

دانش نیروی انسانی^۱: دانشی که در مغز اعضای سازمان وجود دارد. دانش مکانیزه^۲: دانشی که حامل وظایف ویژه یکپارچه در سخت افزار ماشین است. دانش مستند^۱: که به شکل بایگانی، کتاب، سند، دفتر کل، دستورات و نمودارها، ... ذخیره می‌شود. دانش خودکار^{۱۱} و اتوماتیک: که به طور الکترونیکی ذخیره شده و به وسیله برنامه‌های رایانه ای که وظایف خاص را پشتیبانی می‌کند، قابل دسترسی است.

از سوی دیگر دانش را به دو نوع ضمنی و صریح تصور می‌کنند. دانش ضمنی معمولاً در قلمرو دانش شخصی^۲، شناختی و تجربی قرار می‌گیرد. در حالیکه دانش صریح بیشتر به دانشی اطلاق می‌گردد که جنبه عینی تر، عقلانی تر و فنی تر دارد شامل داده ها، خط مشی ها، روش ها، نرم افزارها، اسناد و غیره. دانش صریح به طور معمول هم به خوبی قابل ثبت و هم قابل دسترسی است. فن آوری اطلاعات^{۱۳} به طور سنتی روی استفاده از دانش صریح متمرکز شده است. با این حال سازمان ها اکنون دریافته اند که برای انجام موثر کارهایشان نیازمند یکپارچه کردن هر دو نوع دانش هستند. از این رو در حال ایجاد روش‌های حاضر به منظور تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح هستند که می‌تواند تدوین شود و بنابراین دیگران می‌توانند آنرا ثبت و ذخیره نمایند و هدف مدیریت دانش اینست که دانش ضمنی به دانش صریح تبدیل شود بطور موثر انتشار یابد که این مفهوم قدرتمند به ایجاد روشها، ابزارها و کاربردهای مدیریت دانش کمک کرده است (۷).

با توجه به مشکلات به وجود آمده در زمینه رفتار مدیران در دستکاری سود از بعد مدیریت سود کارا^{۱۴} و مدیریت سود فرصت طلبانه در شرکت فعال در بازار سرمایه ایران، مسئله این پژوهش چگونگی درک میزان مدیریت سود کارا و مدیریت سود فرصت طلبانه در قبال دانش ضمنی

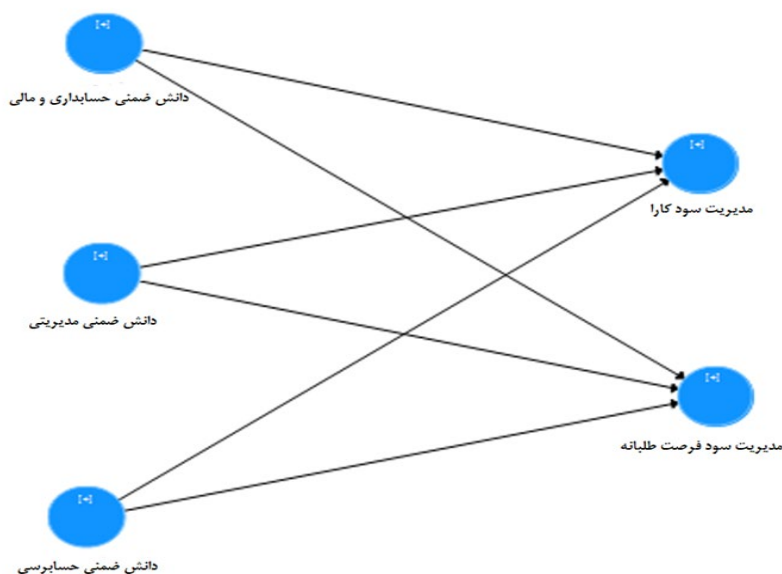
بنابراین برای حمایت از حقوق سهامداران و سایر اشخاص ذینفع و همچنین کنترل رفتارهای فرصت طلبانه مدیران، باید بر رفتارهای مدیران نظارت وجود داشته باشد (۲). مدیریت سود فرصت طلبانه^۳ را به نوعی یک انحراف اخلاقی^۴ در حوزه گزارش‌گیری مالی تلقی کرد (۳ و ۴). درگیر شدن با مسئله مدیریت سود برای شرکت‌ها کاری خالی از مخاطره نیست مخاطراتی مانند مخدوش شدن اعتبار شرکت‌ها و میران عامل و خطر دادخواهی از آنها از این قبیل است. در مدیریت سود فرصت طلبانه تلاش می‌شود عملکرد عملیاتی واقعی شرکت با استفاده از ایجاد ثبت های حسابداری مصنوعی یا تغییر از میزان معقول، مخفی بماند. برای مثال، هیأت اجرائیه یک شرکت ممکن است تأثیرات یک حاشیه سود کم را با ثبت درآمدهای دوره بعد در این دوره یا کاهش هزینه های مطالبات سوخت شده، افزایش دهند. پنهان کردن روند عملیات واقعی با استفاده از تهاثرهای حسابداری مصنوعی و افشاء نشده از مصادیق مدیریت سود فرصت طلبانه می‌باشد.

البته در مقابل مدیریت سود فرصت طلبانه، مدیریت سود کارا نیز وجود دارد و آن از فرآیند روزمره اداره یک شرکت با مدیریت عالی محسوب می‌شود، که در طی آن مدیریت بودجه معقول تعیین می‌نماید، نتیجه ها و شرایط بازار را بررسی می‌کند و در برابر تمام تهدیدها و فرصت های غیر منتظره واکنش مثبت نشان می‌دهد و تعهدات را در بیشتر یا تمامی موارد به انجام می‌رساند. یک شرکت نیاز به بودجه ریزی، داشتن هدف، سازماندهی عملیات داخلی و ایجاد انگیزه در کارکنانش در کنار ایجاد یک سیستم بازخورد، جهت آگاهی سرمایه گذارانش دارد. رسیدن به نتیجه های با ثبات و قابل پیش بینی و رسیدن به روند مثبت سود با استفاده از محرک های طرح ریزی و عملیاتی خوب، نه غیر قانونی است و نه غیر اخلاقی. یک مدیریت سود کارا، ممکن است تصمیم گیری کند که به اختیار در دوره ای که درآمد عملیاتی پایین است، تعدادی از دارایی ها به فروش رود — شاید شرکت در حال بستن یک قرارداد خوب باشد که در دوره بعد درآمد زایی دارد و نشان دادن این سود در جهت لطمه وارد نکردن به اعتبار شرکت، مورد نیاز باشد. در صورت بیان مناسب، روند ایجاد شده گمراه کننده نخواهد بود. برخی افراد باوردارند که چنین عملی، تصمیم گیری را خدشه دارمی نماید و کیفیت سود را کاهش می‌دهد ولی تصمیم گیری براین پایه استواراست که آیا نتیجه های بدست آمده قابل اتکا است و آیا مبادله ها به گونه ای مناسب بیان شده است یا خیر. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت سود، بد نیست. در حقیقت مقوله ای مورد پذیرش و مورد نیاز در درون و برون شرکت توسط تمامی صاحبان سود بازار سرمایه می‌باشد (۵).

حال باید دید دانش ضمنی مدیران^۵ بر نحوه عملکرد مدیریت سود آنها اثر گذار است؟ دانش ضمنی که بر تصمیم گیری تاثیر می‌گذارد از طریق تجارب (مستقیم) کاری^۶ و آموزش^۷ (تجارب غیرمستقیم) به دست آمده است. با این حال تجارب خاص حسابداران می‌تواند علاوه بر توسعه دانش فنی حسابداری اثرات متعددی بر برآورد پارامترها و شاخص ها داشته باشد. تجارب خاص بر توجه افراد مبنی بر تفسیر اطلاعات جدید تاثیر می‌گذارد. تجارب خاص همراه با اطلاعات خروجی، ارزیابی عملکرد

مدیران است. همچنین، با توجه به مطالعات انجام‌شده در ایران در زمینه تاثیر دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود کارا و مدیریت سود فرصت طلبانه، پژوهش حاضر مؤلفه‌هایی را مورد آزمون قرار داده که در تحقیقات قبلی آزمون نشده است. از این‌رو، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که دانش ضمنی مدیران چه تاثیری بر رفتار مدیریت سود دارد؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، فضیات زیر تدوین شد: فرضیه اصلی اول: دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود کارا اثر دارد. این فرضیه بوسیله سه فرضیه فرعی زیر آزمون می‌شود: دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود فرصت طلبانه اثر دارد. دانش ضمنی مدیریتی بر مدیریت سود فرصت طلبانه اثر دارد. دانش ضمنی حسابرسی بر مدیریت سود فرصت طلبانه اثر دارد. مدل مفهومی پژوهش به‌صورت نگاره (۱) تدوین شده است.

مدیران است. همچنین، با توجه به مطالعات انجام‌شده در ایران در زمینه تاثیر دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود کارا و مدیریت سود فرصت طلبانه، پژوهش حاضر مؤلفه‌هایی را مورد آزمون قرار داده که در تحقیقات قبلی آزمون نشده است. از این‌رو، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که دانش ضمنی مدیران چه تاثیری بر رفتار مدیریت سود دارد؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، فضیات زیر تدوین شد: فرضیه اصلی اول: دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود کارا اثر دارد. این فرضیه بوسیله سه فرضیه فرعی زیر آزمون می‌شود: دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود کارا اثر دارد.



نگاره ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

دانشگاه و خبرگان بازار سرمایه کشور بهره برده شد. جدول (۱) اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش در پرسشنامه را نشان می‌دهد. به‌منظور پخش پرسشنامه در بین مدیران عالی، میانی و مدیران مالی شرکت‌های مورد مطالعه، ۱۲۰ پرسشنامه بصورت حضوری و غیرحضوری از طریق شبکه‌های اجتماعی به‌صورت آنلاین جمع‌آوری شد که از این تعداد ۴۴ مورد به دلیل عدم کفایت یا صحت داده‌ها، مردود شناخته شد و تعداد مشاهدات صحیح را به ۷۶ نفر رساند. در نهایت برای تحلیل داده ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، و نسخه ۳.۲.۷ نرم‌افزار آماری *smart-pls* استفاده شد.

روش

پژوهش حاضر کاربردی و توصیفی-همبستگی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش، مدیران سطح عالی، میانی و مدیران عملیاتی شرکت‌های مورد بررسی بود که از میان آنها ۱۲۰ نفر با روش هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد. سوالات این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه استاندارد شده بلسکی و همکاران (۲۰۰۸) است. به‌علاوه، برای توسعه و بومی‌سازی ابزار پژوهش متناسب با محیط کشور و تأیید روایی آن، از نظر استادان

جدول ۱: متغیرهای مدل پژوهش

متغیر	نقش	نوع	ساختار	تعداد سوال
دانش ضمنی حسابداری و مالی	مستقل	ادراکی	انعکاسی	۸
دانش ضمنی مدیریتی	مستقل	ادراکی	انعکاسی	۸
دانش ضمنی حسابرسی	مستقل	ادراکی	انعکاسی	۳
مدیریت سود کارا	مکون	ادراکی	انعکاسی	۸
مدیریت سود فرصت طلبانه	مکون	ادراکی	انعکاسی	۸

یافته‌ها

تحلیل مدل و آزمون گویه‌ها

در مدل پژوهش، متغیرها به‌صورت سازه‌های انعکاسی سطح بالاتر، مدل‌سازی گردید. مراحل کار و روش‌های استفاده‌شده مطابق جدول (۲) است.

جدول ۲: خلاصه مراحل تحلیل داده‌ها

پایایی	پایایی شاخص‌ها	
	بررسی تک‌بعدی بودن	آلفای کرونباخ
روایی	روایی همگرا (AVE) و تشخیصی	
	روایی افتراقی	معیار فرنل و لاکر
ارزیابی مدل اندازه‌گیری (اعتبار بیرونی)	همبستگی سازه‌ها و هم‌خطی چندگانه (VIF)	
	بررسی اعتبار اشتراک	
ارزیابی مدل ساختاری (اعتبار درونی)	برآورد ضریب مسیر	
	ضریب تعیین (R^2)	
	ارتباط پیش‌بین	
بررسی شاخص‌های کیفیت مدل	وارسی اعتبار اشتراکی	
	وارسی اعتبار حشو	
آزمون فرضیه‌ها	معیار نیکوئی برازش (GOF) و ریشه مجذور میانگین باقیمانده (SRMR)	
	بررسی ضرایب معناداری Z مربوط به هر یک از فرضیه‌ها	

استخراج‌شده برای ارزیابی روایی همگرایی تمام سازه‌های مدل، بیشتر از ۰/۵ است و با توجه به اینکه جذر میانگین واریانس استخراج‌شده در قطر ماتریس بیشتر از همبستگی یا سازه با سازه‌های دیگر است، بنابراین ملاک مذکور نیز از حد قابل قبولی برخوردار است. بنابراین، کیفیت سازه‌های مدل از روایی مناسبی برخوردار هستند.

به‌منظور ارزیابی مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی)، پایایی و روایی سازه‌ها و شاخص‌ها ارزیابی می‌شود. آلفای کرونباخ و پایایی مرکب برای هر یک از سازه‌های مدل بیشتر از ۰/۷ به دست آمد. همچنین، تمام شاخص‌ها از پایایی لازم برخوردار بودند. به‌منظور بررسی روایی سازه‌های مدل، از روایی همگرا و روایی تشخیصی استفاده شد. معیار متوسط واریانس

جدول ۳: بررسی کیفیت مدل اندازه‌گیری

سازه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا
دانش ضمنی حسابداری و مالی	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱
دانش ضمنی مدیریتی	۰/۹۹۰	۰/۹۹۰	۰/۹۹۰
دانش ضمنی حسابرسی	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱
مدیریت سود کارا	۰/۹۷۵	۰/۹۵۲	۰/۷۳۶
مدیریت سود فرصت طلبانه	۰/۹۵۱	۰/۹۲۲	۰/۶۲۴

بوت استرپ برای به دست آوردن مقادیر t بررسی می‌شود. نتایج معناداری مسیرها در جدول زیر مشاهده می‌گردد.

به‌منظور ارزیابی مدل ساختاری (مدل درونی) پس از محاسبه ضرایب مسیر، بارهای عاملی و واریانس تبیین شده متغیرها به‌وسیله دستور الگوریتم PLS ، معناداری مسیرها و بارهای عاملی با استفاده از روش

جدول ۴: بررسی روابط بین سازه‌های پژوهش و معناداری آن‌ها

مسیر	ضریب مسیر	انحراف معیار	سطح معناداری*	تفسیر
دانش ضمنی حسابداری و مالی -> مدیریت سود فرصت طلبانه	۰/۲۹۷	۰/۱۲۸	۰/۰۲۱	پذیرش
دانش ضمنی حسابداری و مالی -> مدیریت سود کارا	۰/۰۰۷	۰/۱۱۱	۰/۹۵۲	رد
دانش ضمنی حسابرسی -> مدیریت سود فرصت طلبانه	۰/۲۲۱	۰/۱۲۸	۰/۰۸۵	رد
دانش ضمنی حسابرسی -> مدیریت سود کارا	۰/۶۰۱	۰/۰۸۵	۰/۰۰۰	پذیرش
دانش ضمنی مدیریت -> مدیریت سود فرصت طلبانه	۰/۴۳۲	۰/۱۲۳	۰/۰۰۰	پذیرش
دانش ضمنی مدیریت -> مدیریت سود کارا	۰/۳۶۹	۰/۱۱۱	۰/۰۰۱	پذیرش

*Sig > 95%

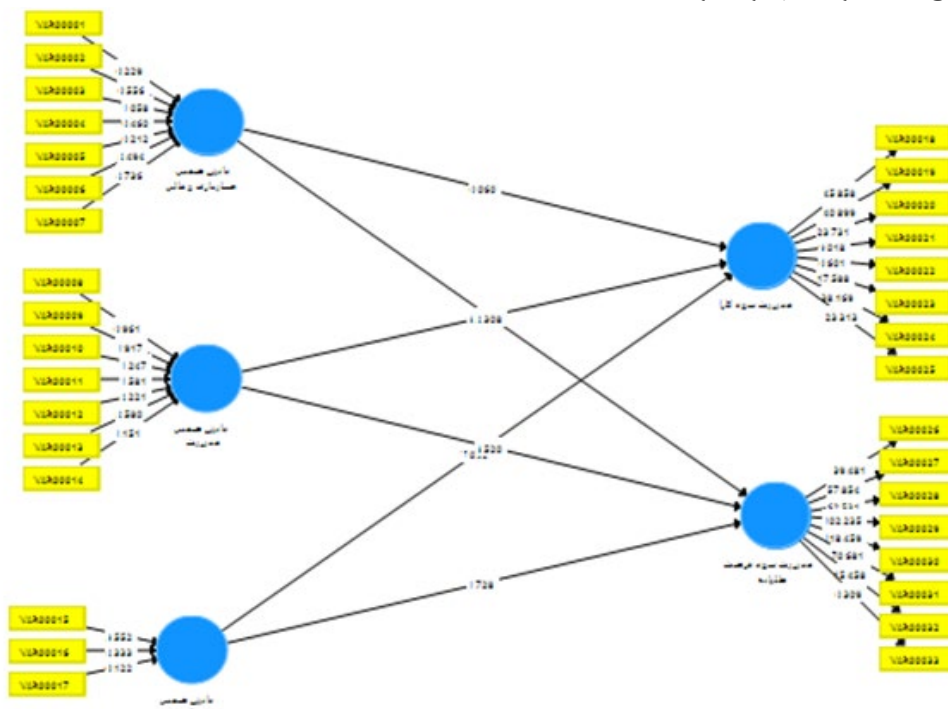
همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود؛ مسیر دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود کارا معنادار نبوده ($P=0/952 > 5\%$)، از این‌رو فرضیه اول مبنی بر اثر دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود کارا رد می‌شود. مسیر دانش ضمنی مدیریت بر مدیریت سود کارا معنادار بوده ($P=0/001 < 5\%$)، از این‌رو فرضیه دوم مبنی بر اثر دانش ضمنی مدیریت بر مدیریت سود کارا تأیید می‌شود. مسیر دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود فرصت طلبانه معنادار بوده ($P=0/000 < 5\%$)، از این‌رو فرضیه سوم مبنی بر اثر دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود فرصت طلبانه معنادار بوده ($P=0/021 < 5\%$)، از این‌رو فرضیه چهارم مبنی بر اثر دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود فرصت طلبانه تأیید می‌شود. مسیر دانش ضمنی مدیریت بر مدیریت سود فرصت طلبانه معنادار بوده

مسیب‌گیری و سازخاری موردبررسی، برای اندازه‌گیری برازش مدل بیرونی از میانگین اشتراک و برای برازندگی مدل ساختاری از ضریب تعیین R^2 استفاده می‌شود. مقدار میانگین اشتراک نشان‌دهنده درصدی از تغییرات شاخص‌ها است که به‌وسیله سازه متناظر توجیه می‌شود و پژوهش‌گران سطح قابل‌قبول برای اشتراک آماری را بیشتر از ۰/۵ ذکر کرده‌اند. با توجه به مقادیر R^2 که نشان‌دهنده توانایی مدل در توصیف سازه است، مدل ارائه‌شده برازش مناسبی دارد.

جدول ۵: بررسی کیفیت مدل ساختاری و نیکویی برازش

مدل / سازه	SRMR	R ²	R ² adj	F ²
دانش ضمنی حسابداری و مالی	۰/۱۰۰	۰/۹۶۵	۰/۹۶۳	۰/۱۴۱
دانش ضمنی حسابرسی				۰/۵۶۶
دانش ضمنی مدیریت				۰/۴۱۳
دانش ضمنی حسابداری و مالی	۰/۸۷۲	۰/۸۶۷	۰/۸۶۷	۰/۱۰۳
دانش ضمنی حسابرسی				۰/۰۵۷
دانش ضمنی مدیریت				۰/۱۵۱

در ادامه مدل اصلاح‌شده به‌صورت زیر خواهد بود:



نگاره ۲: مدل اصلاح شده پژوهش

بحث

در این پژوهش عناصر مختلف دانش ضمنی مدیران (دانش ضمنی حسابداری و مالی، دانش ضمنی مدیریت و دانش ضمنی حسابرسی) و مدیریت سود کارا و مدیریت سود فرصت طلبانه شرکت‌ها شناسایی و تحلیل شدند. تحلیل نتایج مرتبط با هریک از فرضیات فرعی نشان داد که:

دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود کارا اثر ندارد.

دانش ضمنی مدیریتی بر مدیریت سود کارا اثر دارد.

دانش ضمنی حسابرسی بر مدیریت سود کارا اثر دارد.

دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود فرصت طلبانه اثر دارد.

دانش ضمنی مدیریتی بر مدیریت سود فرصت طلبانه اثر دارد.

دانش ضمنی حسابرسی بر مدیریت سود فرصت طلبانه اثر ندارد.

نتایج تحقیق حاضر به نوعی با برخی پژوهش‌ها در این زمینه همخوان و همسو است. برای نمونه در پژوهشی محققان نشان دادند که سبک‌های تفکر متفاوت می‌تواند تأثیر مختلفی بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی مدیران داشته باشد (۸). همچنین، برخی محققان در پژوهش خود پژوهش نشان دادند که ویژگی‌های فردی بر تصمیمات مالی موثر است و افراد بالغ که دارای دانش بیشتر و احساسات منفی کمتری هستند، معمولاً تصمیمات مالی موثرتری اتخاذ می‌نمایند (۹). نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی اول نشان داد که دانش ضمنی مدیریتی بر مدیریت سود کارا اثر معناداری دارد. بر اساس مبانی نظری پژوهش و به استناد به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان چنین استنباط نمود که دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود کارا تأثیر دارد (۱۰-۱۷). نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی دوم نشان داد که دانش ضمنی بر مدیریت سود فرصت طلبانه اثر معناداری دارد. بر اساس مبانی نظری پژوهش و به استناد به نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان چنین استنباط نمود که با افزایش دانش ضمنی حسابداری و مالی، مدیریتی و حسابرسی مدیران شرکت‌ها، میزان مدیریت سود فرصت طلبانه نیز افزایش خواهد یافت. از این‌رو، نتایج این فرضیه با نتایج برخی پژوهش‌ها همسو بوده و مطابق با چارچوب نظری پژوهش می‌باشد (۱۰ و ۱۱).

یافته‌های پژوهش گویای آن است که چنانچه مدیران از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه گزینش‌های حسابداری در گزارشگری مالی انگیزه‌هایی برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی داشته باشند، احتمال دستکاری یا مدیریت سود وجود دارد. وقوع مدیریت سود، این مطلب را می‌رساند که مدیران شرکت معتقدند، دست کم تعدادی از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به اندازه آنها از اوضاع و احوال شرکت آگاه نیستند؛ به همین دلیل زمینه لازم برای تأمین منافع آنها از طریق فرایند مدیریت سود فراهم است. همچنین، چنانچه مدیریت، اقدام به مدیریت سود نماید، اطلاعات مالی دستخوش انحرافات خواهد شد که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، گمراه‌کننده خواهد بود. طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش‌سازهای (دانش

ضمنی حسابداری و مالی، دانش مدیریتی و دانش حسابرسی) موجب تقویت مدیریت سود فرصت طلبانه می‌شود. به عبارتی، می‌توان سازه‌های مربوطه را عامل فزاینده رفتار مدیریت سود فرصت طلبانه دانست. از این‌رو، به نهادهای ناظر، سرمایه‌گذاران بالفعل، بالقوه و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به بحث دانش ضمنی مدیران در حوزه حسابداری، مالی، مدیریتی و حسابرسی داشته باشند و آن را در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند زیرا این سازه‌ها می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری آن‌ها باشد. از این‌رو، در مورد اهمیت دانش ضمنی مدیران و رفتار مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه و ایجاد محیط رقابتی شفاف و همچنین، ایجاد محیط شفاف اطلاعاتی و اتخاذ تصمیم بهینه سرمایه‌گذاران به صاحب‌نظران و مدیران بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود در این خصوص و ایجاد فضای نظارتی تدابیری بیندیشند.

نتیجه‌گیری

افزایش دانش ضمنی مدیران در زمینه حسابداری و مالی، مدیریتی و حسابرسی سبب افزایش مدیریت سود توسط مدیران می‌شود. به عبارتی وقتی این دانش افزایش می‌یابد تضاد منافع بین مدیران و حسابرسان کاهش می‌یابد و در نتیجه مدیریت سود افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که دانش و تجربه مدیریتی نیز سبب تغییرات مدیریت سود می‌شود بنابراین از طریق تجربه و دانش ضمنی مدیریتی شامل پاداش مدیران، روابط با هیات مدیره و کمیته‌ها، روابط با سهامداران، ساختار سهامداران، نحوه انتصاب (لابی سهامداران طرفدار)، توان مدیریتی بهبود می‌یابد و در همسویی با آن مدیریت سود افزایش می‌یابد. پژوهش حاضر یک ساختار جدید دانش ضمنی مدیران و رفتار مدیریت سود با تأکید بر ادغام مؤلفه‌های مختلف از دیدگاه‌های متفاوت را پیشنهاد می‌کند.

ملاحظه‌های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ محرمانه بودن، انتشار چندگانه و ... در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

واژه‌نامه

- | | |
|------------------------------------|------------------------|
| 1. Financial report | گزارش مالی |
| 2. Accounting system | سیستم حسابداری |
| 3. Opportunistic profit management | مدیریت سود فرصت طلبانه |
| 4. Ethical detour | انحراف اخلاقی |
| 5. Managers' tacit knowledge | دانش ضمنی مدیران |
| 6. Work experience | تجربه کاری |
| 7. Education | آموزش |
| 8. Human force knowledge | دانش نیروی انسانی |
| 9. Mechanized knowledge | دانش مکانیزه |

15. Audit' tacit knowledge	دانش ضمنی حسابرسی	10. Documentary knowledge	دانش مستند
		11. Automatic knowledge	دانش خودکار
		12. Personal knowledge	دانش شخصی
		13. Information technology	فناوری اطلاعات
		14. Effective profit management	مدیریت سود کارا

References

- Filipion S, et al. Linking improved know ledge management to operational and organizational performance. *Journal of Operations Management*, 2004; 4: 247-264.
- Watts RL, Zimmerman JL. *Positive accounting theory*. Englewood Cliffs, Prentice-Hall: NJ.1986.
- Haji Mohammadloo B, Hajiha Z. Relationship between ethical climate, social responsibility and earnings management. *Ethics in Science and Technology*, 2020; 15 (2) :100-107. (In Persian).
- Malekian E, Jafaei Rahni M, Khosravi B. The relationship between professional commitment and ethical perspective with the earnings management behavior. *Ethics in Science and Technology*, 2015; 9(4). (In Persian).
- Mollazadeh M, Lari M, Saei MJ. The effect of CEO's financial knowledge on profit management. *Financial Accounting and Audit Research*, 2016; 8(30): 37-59. (In Persian).
- Rosman AJ, Biggs SF, Hoskin RE. The effects of tacit knowledge on earnings management behavior in the presence and absence of monitoring at different levels of firm performance. *Behavioral Research in Accounting American Accounting Association*, 2012; 24(1):109-130
- Izadinia N, HoseinAbadi HZ, Rahmani H. The ethical acceptability of earning management. *Ethics in Science and Technology*, 2017; 11 (4) :81-89. (In Persian).
- Paik Y, Lee J, Pak Y. Convergence in international business ethics? a comparative study of ethical philosophies, thinking style, and ethical decision-making between us and Korean managers. *Journal of Business Ethics*, 2019; 156(3): 839-855.
- Belski WH, Beams JD, Brozovsky JA. Ethical judgments in accounting: an examination on the ethics of managed earnings. *The Journal of Global Business Issues*, 2008; 2(2): 59-68.
- Fern RH, Brown B, Dickey SW. An empirical test of politically-motivated income smoothing in the oil refining industry. *Journal of Applied Research*, 1994; 10(1): 92-100
- Tavy R, Lewinstein Yaari V. On the tension between full revelation and earnings management: A reconsideration of the revelation principle. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 2002; 17(4): 273-294
- Walsh M, Wang L. Earnings management following chief executive officer changes: the effect of contemporaneous chairperson and chief financial officer appointments. *Accounting and Finance*, 1991; 50: 447-480
- Lo HC, Wu RS, Kweh QL. Do institutional investors reinforce or reduce agency problems? Earnings management and the post-IPO performance. *International Review of Financial Analysis*, 2017; 52: 62-76.
- DeGeorge F, Patel J, Zeckhauser R. Earnings management to exceed thresholds. *Journal of Business*, 1999; 72(3): 1-33
- Bei Z, Wijewardana WP. Financial leverage, firm growth and financial strength in the listed companies in Sri Lanka. *Social and Behavioral Sciences*, 2012; 40: 709 – 715
- Chapman T, Craig J, Steenburgh J. An investigation of earnings management through marketing actions. *Home Management Science*, 2011; 57(1): 44-62
- Zhang L, Cao T, Wang Y. The mediation role of leadership styles in integrated project collaboration: An emotional intelligence perspective. *International Journal of Project Management*, 2018; 36(2): 317-330

1. .